

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

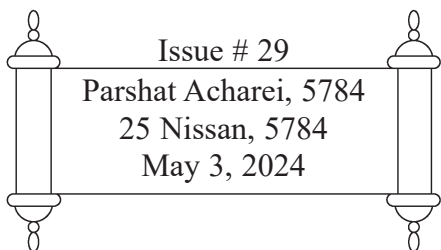
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, May 3, Light Shabbat Candles, by 7:20 p.m

Saturday, May 4, Shabbat ends at 8:25 p.m.

(Times are for Los Angeles)

JEWISH CHILDREN:
Get your own letter
in a Sefer Torah!
<http://www.kidstorah.org>

E-Z Office Machines
LA's Easy Office Solution

In Business Since 1990

SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

ISAAC
310-557-0702
FREE PICK-UP
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV
Traveling Notary Public & Home Signing Agent
Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092
E-mail: yys770@aol.com

“For All Your Notary Needs - At **Your** Location”

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY & **Moshiach Awareness Center,**
Chabad Persian Youth a Project of:
9022 W Pico Boulevard. **Enlightenment For The Blind, Inc.**
Los Angeles, CA 90035 602 North Orange Drive.
Tel.: (310) 777-0358 Los Angeles, CA 90036
Fax: (310) 777-0357 Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
<http://www.cpycenter.org> <http://www.torah4blind.org>
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net e-mail: yys@torah4blind.org
Rabbi Hertzal Peer, Executive Director **Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director**

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

بلکه دنیای مادی را هم در بر می گیرد. چرا که همه آنچه که فرد یهودی چه مادی و چه معنوی احتیاج دارد همگی از طرف خداوند فراهم می شود. "اگر به قوانین من رفتار کنید و فرمان هایم را ننگه ۱۶ بدارید و انجام دهید باران شما را به موقع اش خواهیم داد و زمین محصولش را خواهد داد." و تنها از طریق پیوند بیسرائل با خداوند است که او می تواند نیازهای مادی اش را فراهم کند. آن شخص که می گوید "برای من خوبی خواهد بود ۱۷ و من برحسب خواسته های دلم رفتار می کنم" همواره و همیشه در نهایت اشتباه می کند.

و این مطلبی است که در این پاراشا به آن اشاره شده است. بعد از آن که کوهن گادول وارد قدش قدشیم می شد برای رفع نیازهای مادی مردم و تامین آنها دعا می کرد.

بنابراین دنیای بزرگی که فرد یهودی در آن زندگی می کند و دنیای کوچک و خصوصی که فرد یهودی در درون خود از تجربیات مذهبی دارد بطور ذاتی و درونی با هم مربوط هستند. به این طریق که اگر او این تجربه اش را وارد دنیای مادی بکند جهان به وسیله انسان مقدس و بوسیله خداوند برکت می شود.

(منبع، لیکوتی سیخوت جلد سوم صفحه ۹۸۷ الی ۹۹۳)
(Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 987-993)

To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095

اخری موت

پاراشای اَخری موت با توضیح چگونگی مرگ پسران اهرن ناداو و اویهو شروع میشود. مرگ آنها که در پاراشای شمینی نیز از آن سخن گفته شده است موضوع مرموزست برای آنکه از یک طرف بنظر میرسد که مرگ آنها در واقع نوعی تنبیه برای گناهشان بوده است و از طرف دیگر در میدراش سخن از سطح معنوی بسیار بسیار بالای این افراد می کند و حتی عنوان میشود که آنها از مُشه و اهرن هم در سطح معنوی بالاتری بودند. این دو تفسیر از شخصیت آنها با هم متضاد بنظر میرسند؟ آیا ما می توانیم این دو تعبیر را با هم سازش دهیم؟ در حاسیدوت آمده است که آنها بخاطر آنکه به درجات بسیار بالای عشق عرفانی نسبت به خداوند رسیدند روح آنها بدنشان را ترک کرد. آیا رسیدن به چنین عشق و علاقه عرفانی نسبت به خداوند امری اشتباه است؟ آنچه که اشتباه بود آن بود که آنها به بهای ترک زندگی شان از این دنیا به چنین عشق و علاقه عرفانی رسیده بودند. حرکت آنها بسوی مقام های بالای روحانی بدون قصد برگشت به این جهان انجام شد. این است که یک فرد یهودی زمانی که به اوج عرفان الهی نیز میرسد همواره باید به این جهان برگشت کند چرا که او در این جهان دارای وظیفه ایست و آن این است که او باید این جهان را مقدس کند و نه این که آنرا از وجود خود محروم کند. این حالت ترک و برگشت تجربه و عمل از موضوعات اساسی در فلسفه یهود و موضوع مورد بحث در این پاراشا می باشد.

۱- مرگ ناداو و اویهو

پاراشای این هفته با پاسوق "بعد از فوت دو پسران اهرن که هنگام نزدیک شدنشان به حضور خداوند مردند"، شروع می شود. اولین سؤال در آخرین کلمات این پاسوق است و آن اینکه چرا تورا می گوید که "آنها مردند" مگر نه اینکه در ابتدای پاسوق آمده است که "بعد از فوت دو پسران اهرن"؟

میدراش در توضیح علل مرگ آنان این دلایل را ذکر می کند:

- ۱- آنها وارد قدش قدشیم شدند.^۱
- ۲- آنها لباس های مخصوص کهنیم را که برای چنین عبادتی لازم بود به تن داشته باشند را نپوشیده بودند.^۲

۱-تورت کوهنیم اخری و ویقرا ربا ۲۰۰۸، بمیدبار ربا ۲۳-۲، تنخوما اخری فصل ۶

۲- ویقرا ربا- تنخوما

۳- و آنها از دواج نکرده بودند.

۴- و آنها دارای فرزند نبودند .

حالا دومین سؤال ما ایجاد می شود که منبع میدراش در عنوان دلایل بالا کدام است؟ و در کدام قسمت از تورا، به این چهار علت و یا چهار خطا اشاره شده است؟ علاوه بر این چگونه ما می توانیم تصور بکنیم که آنها گناهکار بوده اند؟ ربانیم می گویند^۳ مشه به اهرن اینگونه می گفت که "برادرم اهرن، من میدانم که میشکان بوسیله آنهاهی که خداوند آنها را دوست دارد و به خداوند نزدیک هستند مقدس می شود. حالا من می بینم که آنها (ناداو و اوی هو) از نظر روحانی بالا تر از هر دو ما هستند". اگر اینگونه بوده است پس چگونه این دونفر می توانستند گناه بکنند.

۲- عرفان مرگ آور

در فلسفه حاسیدوت آمده است^۴ که پسران اهرن به آن معنا که ما فکر می کنیم گناه نکرده اند بلکه گناه آنان آن بود که آنها اجازه دادند میزان عشق شان به نزدیک شدن به خداوند به آنچنان حد و مرزی برسد که موجبات مرگ آنها را فراهم کند. به عبارت دیگر جسم آنها، وجود فیزیکی شان دیگر تحمل نگاهداری روحشان را نداشت. برای همین تورا می گوید "در نزدیک شدنشان به حضور خداوند (با این چنین عشقی) مردند." و این عمل برای آنها به عنوان گناه حساب شده است چرا؟ برای آنکه اگر چه یک فرد یهودی باید وجودش را از علائق مادی، در زمانی که روح او به درجه عشق معنوی نسبت به خداوند رسیده است، خالی کند^۵ با این حال او می بایست دوباره به وظیفه ای که روح او می بایست در درون وجود مادی و فیزیکی انجام دهد، برگردد.

در پیرکی آووت آمده است که تو^۶ "بر خلاف میل ات زندگی می کنی". وظیفه انسان در این جهان ایجاد محل سکونت برای خداوند در این دنیا می باشد و این برخلاف خواسته روح انسان است که همواره می خواهد بالا تر از دنیا برود و ترک این دنیا را بکند. ناداو و اویهو به یک چنین لذت و مقام روحانی رسیدند ولی از این حالت و مقام برگشت نکردند^۷ و این گناه آنان و علت مرگشان بود. "آنها هنگام نزدیک شدنشان به خداوند مردند". آنها به خودشان

۳- تورت کوهنیم، شمیتی، زواخیم ۱۱۵ ب. راشی ویبیرا ۱۰-۳ ۴- معمر اخری موت ۵۶۴۹

۵- شولخان آروخ هاراو - اورخ ختیم فصل ۹۸ هیلخوت تلمود تورا ۴-۵

۶- پایان فصل چهارم تنیا. قسمت اول پایان فصل ۵۰

۷- میدراش تنخوما، ناسوفصل ۱۶. تنیا قسمت اول فصل ۳۶

اما ربی عقیوا بسلامت وارد دنیای اطاعت از خواسته های الهی شد هدفش آن بود که مابین دنیاهای مادی و معنوی وحدت و همبستگی ایجاد نماید. و به همین علت بود که او بسلامت برگشت در ابتدای آغاز این سیرو سیاحت روحانی قصد و هدف او بازگشت و برگشت بود. به همین علت نیز اهرن می بایست با ترس، با اطاعت و با از خودگذشتگی وارد "قُدش قُدشیم" می شد. و به این ترتیب او می توانست گناهان خودش و خانواده اش را کفاره^{۱۲} کند. و برای تامین زندگی مادی بنی یسرائل دعا کند^{۱۳} که هرکدام از آنها نشان دهنده توجه داشتن نسبت به مسائل مادی این دنیا می باشد.

۴- تجربه و عمل

تمامی مطالب تورا برای هر فرد یهودی نه فقط برای برخی معدود، درسی با خود دارند. بنابراین درس زندگی ناداو و اویهو برای ما چیست؟^{۱۴} مطمئنا اینطور نیست که هرکسی بتواند وارد آنچنان عرفان الهی بشود که جانش بخطر بیافتد. تعداد بسیار کمی وجود دارند که احتیاج دارند که در این مورد به آنها گوشزد بشود بنابراین این موضوع برای مردم عادی چه پند و اندرزی در بردارد؟

لحظه ها و زمان هایی اگر چه بسیار کوتاه، در زندگی هر فرد یهودی عادی وجود دارد که او نوعی بیداری مذهبی و روحانی را یا در شبات، یا در موعیدیم، و یا در ده روز تشووا^{۱۵} و یا در روش هسانا و روز کیبور، تجربه می کند. او ممکن است برای زمانی کوتاه از مسائل زندگی روزمره و نگرانی های آن خارج شده و از نظر درونی به ورای محدودیت های فکری خود برسد. درست در این لحظات و مواقع است که او می بایست بداند که آنچه را که او از این حالت تقدس تجربه می کند، را می بایست با خود به دنیای زندگی روزمره بیاورد. او نمی بایست این حالت روحانی را صرفا برای تجربه کردن بخواهد بلکه برای برگشت کردن و استفاده کردن از آن در زندگی روزانه یک تجربه مذهبی نمی بایست فقط در خاطره انسان باقی بماند بلکه می بایست به صورت عملی در زندگی روزانه انسان پیاده بشود. مانند ربی عقیوا او می بایست بسلامت وارد و خارج شود به این معنا که خداوند و جهان را با هماهنگی بیشتری به یکدیگر نزدیک کند.

۵- برکت خداوند

این روش ورود و خروج به دنیای تقدس نه فقط مربوط به نوع عبادت شخص یهودی می شود

۱۲- ویبیرا ۶-۱۶ - آغاز مسخت یووما ۵۳ ب

۱۳- زیور بخش ۳ ۵۳ ب

۱۴- ویبیرا ۶-۱۶ - آغاز مسخت یووما

۱۵- روش هشاتا ۱۸ الف

حالت که یک تجربه اصیل و واقعی می باشد و یا در زمانی که او به چنان عشقی نسبت به خداوند رسیده است که با تمامی وجود و هستی خود "او را می پرستد و تمامی سدها و مرزهای جدایی مابین انسان و خدا را شکسته است، در این لحظه وحدت، ما می توانیم از او بخواهیم که خودش را کنترل کند و دوباره خودش را در چهارچوب و زندان وضعیت انسانی خود قرار بدهد؟ آیا این عمل یک ناتوانی احساسی در اینار کامل انسان در راه خدا ایجاد نمی کند و آیا این عمل این احساس را ایجاد نمی کند که انسان همواره باید مراقب باشد که بیش از اندازه نزدیک نشود. جواب در این است که چگونه انسان این سیر و سفر روحانی را شروع می کند. اگر قصد و هدف اولیه آن است که خواسته های خود را هر اندازه که این خواسته ها روحانی باشد، ارضاء کند، این شخص تمایلی به برگشت از این لذت روحانی به طرف انجام دادن هدف خود در این دنیا را نخواهد داشت. اما چنانچه او این سیر و سیاحت روحانی را در اطاعت از فرمان خداوند که "دوست بدار خدای خالقت را با تمامی هستی ات" و بادانش اینکه خداوند این دنیا را آفریده است که از "انسانها پر بشود".^۹ شروع بکند با همین لذت و عشق و درحال همین نزدیکی روحانی و عرفانی بسوی خداوند این خواسته برگشت به دنیا و مقدس کردن آن همواره در این سیر و سیاحت موجود خواهد بود.

داستان بسیار معروفی در تلمود وجود دارد^{۱۰} از اینقرار که "چهار نفر وارد دنیای رموز عرفانی توراه گرو شدند. بن عزى، بن زوما، الیشا آخر و ربی عقیوا. بن عزى نگاه کرد و مُرد. بن زوما نگاه کرد و ضربه دید (دیوانه شد) الیشا آخر بدرستی برداشت نکرد (کافر شد)، ربی عقیوا به سلامت وارد شد و به سلامت برگشت".

ظاهراً اینطور بنظر میرسد که تفاوت مهم ربی عقیوا و سه نفر دیگر در این است که چگونه او از این دنیای رموز عرفانی برگشت. اگر اینطور است پس چرا تلمود تاکید بر این می کند که او چگونه وارد این دنیا شد؟

جواب آن است که چگونه ورود چهار نفر به این جهان عرفانی تعیین کننده آن است که آنها چگونه از این جهان عرفانی برگشت کرده اند. هدف بن عزى رسیدن به لذت روحانی بود و نه برگشت به این دنیا، بنابراین او نگاه کرد و مُرد (جالب است که تمامی عبادت او و افکار او این خواسته ترک کردن دنیا را تشویق می کند)^{۱۱}

۹-یشعیا ۱۸-۴۵ ۱۰-خگیگا ۱۴ ب

۱۱-یویا موت ۶۳ ب - سوتا ۴ ب - شولخان آروخ هاراو هیلخوت تلمود توراه آغاز فصل ۳

این اجازه را دادند که عشق روحانی شان به آنچنان درجه بالایی برسد، بالاتر از وظیفه شان در این جهان تا آنجا که این وظیفه را فراموش کردند.

در واقع دلایلی را که میدراش در مورد مرگ آنها ذکر میکند اشاره ای است به این عمل اشتباه آنها. دلیل اول که می گوید آنها وارد قدش قداشیم شدند به معنای آن است که آنها وارد عمیق ترین و درونی ترین حالت های روحانی شدند. آنها بدون آنکه فکر کنند که چگونه می بایست از این حالات به دنیای خارج برگشت کنند وارد این حالت های روحانی شدند و دلیل دوم که می گوید آنها لباس های مخصوص کهنیم را به تن نداشتند اشاره به آن می کند که هدف آنها آن بود که خودشان را از مسائل دنیوی خالی کنند و کاملاً روحانی بشوند و آنها لباس لازم را برای این کار نپوشیده بودند. لباسی که کلام خداوند سمبل آن است^۸ یعنی میصوت یعنی اعمال فیزیکی که محیط زندگی مادی را مقدس می کند.

دلیل سوم و چهارم که می گوید آنها دارای فرزند نبوده و ازدواج نکرده بودند اشاره به آن می کند که آنها نه تنها دستور خداوند را که می گوید "بارور شوید و زیاد شوید" را انجام نداده بودند که انسان های دیگری را در این دنیا بوجود بیاورند بلکه برعکس آنها دنیا را از وجود خودشان هم محروم کردند.

تمامی اشتباه آنها از یک برداشت نادرست نتیجه میشد و آن اینکه فرد یهودی به وسیله ترک دنیا و نه داخل شدن در دنیا به خداوند نزدیک می شود. در واقع هر دو این برداشت ها (ترک دنیا و داخل شدن به دنیا برای نزدیکی به خداوند لازم است) و به همین علت است که در روز کبیور وقتی که ما سعی می کنیم از وضعیت و شرایط دنیای مادی خود خارج شویم در موقع خواندن توراه این قسمت از پراشای "آخری موت" را می خوانیم که وظیفه ما در این دنیا به ما یاد آوری بشود.

۳- ورود و خروج

راشی در توضیح پاسوق^{۱۲} و در هر زمانی وارد محل مقدس نشو... به این ترتیب اهرون وارد محل مقدس بشود^{۱۳} که درست بعد از فوت پسران اهرون آمده است، می گوید که در این پاسوق خداوند به اهرون اخطار می کند که نوع عبادت او نمی بایست همچون نوع عبادت پسرانش باشد. در این جا سئوالی مطرح می شود و آن اینکه آیا واقعا ما می توانیم از شخصی که در حال اوج لذت روحانی است بخواهیم که دوباره به وضعیت مادی خود برگردد؟ آیا در زمانی که تجربه او از این

۸-تتیا قسمت اول فصل ۵ قسمت چهارم فصل ۲۹